

كارل گوستاو يونگ



كتاب سرخ



مترجم: محمدرضا اخلاقی منش



سرشناسه:	Jung , Carl gustav یونگ، کارل گوستاو - ۱۸۷۵ - ۱۹۶۱ م.
عنوان و پدیدآور:	کتاب سرخ / کارل گوستاو یونگ / مترجم محمدرضا اخلاقی منش
مشخصات نشر:	تهران: مصدق، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۶۷۲ ص.
شابک:	978-600-7436-36-3
وضعیت فهرست نویسی:	فیپا
یادداشت:	عنوان اصلی: The red book
موضوع:	روانکاوان - سوئیس - سرگذشتنامه.
موضوع:	روانشناسی یونگی.
شناسه افزوده:	اخلاقی منش، محمدرضا - ۱۳۴۴ - مترجم.
رده بندی کنگره:	۱۳۹۴ ی/۹۳/ BF۱۰۹
رده بندی دیویی:	۱۵۰/۱۹۵۴۰۹۲
شماره کتابخانه ملی:	۴۰۶۹۶۰۷



خیابان دانشگاه، نبش چهارراه وحید نظری، شماره ۱۳۸

تلفن: ۶۶۴۰۰۲۲۳ - ۶۶۴۶۸۸۵۱

کتاب سرخ

کارل گوستاو یونگ

مترجم: محمدرضا اخلاقی منش

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ جلد

چاپ: فراین

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۳۶-۳۶-۳

ISBN :978 - 600 - 7436 - 36 - 3

فهرست

۹	پیش درآمد
۱۵	اختصارات
۱۷	کتاب سرخ
۱۷	مقدمه‌ای بر کتاب جدید یا دفتر سرخ کارل گوستاو یونگ: سونو شمدرسانی
۱۱۳	یادداشت مترجمین
۱۲۳	یادداشت ویراستار
۱۲۹	کتاب یکم
۱۳۱	طریق آنچه می‌آید
۱۴۱	فصل یکم: باز یافتن روح
۱۴۶	فصل دوم: روح و خدا
۱۵۳	فصل سوم: در خدمت روح
۱۵۷	فصل چهارم: بیابان
۱۵۹	تجربیات بیابان
۱۶۳	فصل پنجم: فرود به دوزخ در آینده
۱۷۴	فصل ششم: انشقاق روح
۱۷۹	فصل هفتم: قتل قهرمان
۱۸۴	فصل هشتم: تولد مسیح
۱۹۴	فصل نهم: میستریوم، رویارویی
۲۰۵	فصل دهم: تعلیمات

۶ کتاب سرخ
۲۱۶ فصل یازدهم: راه حل
۲۳۱ کتاب دوم
۲۳۳ تصاویر خطا برانگیز
۲۳۴ فصل اول: سرخ پوش
۲۴۳ فصل دوم: قلعه‌ای در جنگل
۲۵۶ فصل سوم: مرد فرودست
۲۶۵ فصل چهارم: معتکف. روز اول
۲۷۷ فصل پنجم: روز دوم
۲۸۱ فصل ششم: مرگ
۲۹۴ فصل هفتم: بقایای معابد اولیه
۳۰۴ فصل هشتم: روز اول
۳۲۰ فصل نهم: روز دوم
۳۲۸ فصل دهم: اوراد
۳۵۱ فصل یازدهم: باز شدن تخم
۳۶۴ فصل دوازدهم: دوزخ
۳۶۹ فصل سیزدهم: کشتن قربانی
۳۹۷ فصل چهاردهم: جهالت
۴۰۲ فصل پانزدهم: شب ثانی
۴۱۹ فصل شانزدهم: شب ثالث
۴۳۷ فصل هفدهم: شب رابع
۴۵۶ فصل هجدهم: سه پیش‌گویی
۴۶۲ فصل نوزدهم: موهبت جادو
۴۷۷ فصل بیستم: مسیر صلیب
۴۸۴ فصل بیست و یکم: جادوگر
۵۵۳ مذاقات
۶۴۵ پس درآمد
۶۴۶ پیوست الف: ماندا لاها
۶۵۵ پیوست ب: تفسیرها
۶۷۰ پیوست ج: مدخل ۱۶ ژانویه ۱۹۱۶ از کتاب سیاه ۵

سال‌هایی که از آنها با شما سخن گفته‌ام

آن سال‌ها که تصاویر درونی را پی می‌گرفتم، مهم‌ترین ایام زندگی من بودند. هر چیز دیگر که هست از اینجا سرچشمه می‌گیرد. کار از آنجا شروع شد و جزئیات پس از آن دیگر اهمیت چندانی ندارند. کل زندگانی من شامل تفصیل آن چیزی است که از ناخودآگاه غلیان نمود و همچون جریانی اسرارآمیز و سیل آسا بر من جاری شد و مرا به خردشدن هشدار داد. این مصالح و مواد لازم برای چیزی بیش از فقط یک زندگی بود. هر چیز دیگر پس از آن صرفاً جزو دسته‌بندی‌های بیرونی، شرح و بسط علمی در زندگانی بود. و امر مینوی که همه چیز را در بر می‌گیرد سپس آغاز می‌شود.

کارل گوستاو یونگ، ۱۹۵۷

اختصارات

- [HI] - سرآغاز تصویری: حرفی در مقیاس درشت در آغاز متن که نمایی کوچک از یک شخص یا یک صحنه کامل درون آن نقاشی شده است.
- تصویر 000 - شماره صفحه تصویر مورد نظر بر روی صفحات عکس برداری شده.
- در پاراگراف‌های نقل شده از پیش‌نویس تصحیح شده مندرج در یادداشت‌ها، بر روی کلمات محذوف خط کشیده شده است، و کلمات افزوده شده در کروشه آمده‌اند.
- [۲] - «لایه دوم» افزوده شده در پیش‌نویس.
- {00} - بخش فرعی افزوده شده در بخش‌های طولانی جهت سهولت ارجاع.
- OB - حاشیه مذهب.
- BP - تذهیب‌کاری پایین متن.
- روان‌شناسی تحلیلی Analytical Psychology - کارل گوستاو یونگ، روان‌شناسی تحلیلی؛ یادداشت‌های سمینار ۱۹۲۵، ویراسته ویلیام مک‌گوایر، مجموعه بولینگن (پرینستون: مجموعه بولینگن، انتشارات دانشگاه پرینستون، ۱۹۸۹).
- CFB - مقالات کری باینس، آرشیو پزشکی معاصر، کتابخانه ولکام، لندن.
- CW - مجموعه آثار کارل گوستاو یونگ، ویراسته سر هربرت رید، مایکل فورد هام، گرهارد آدلر، ترجمه ر.ف. ک. هول (پرینستون: مجموعه بولینگن، انتشارات دانشگاه پرینستون، ۱۹۸۳ - ۱۹۵۳)، ۲۱ جلد.
- JA - مجموعه یونگ، تاریخ مجموعه‌های علمی، آرشیو موسسه تکنولوژی فدرال

۱۰.....کتاب سرخ

سوئیس، زوریخ.

JFA- آرشیو خانوادگی یونگ.

نامه‌ها (Letters): نامه‌های کارل گوستاو یونگ، گزینش و ویراسته گرهارد آدلر در همکاری با آنیلا یافه، ترجمه ر. ف. ک هول (پرینستون: انتشارات دانشگاه پرینستون، ۱۹۷۳، ۱۹۷۵)، دو جلد.

خاطرات (Memories): خاطرات، رویاها، تأملات، کارل گوستاو یونگ / آنیلا یافه، ترجمه ریچارد و کلارا وینستون، (لندن: فلامینگو، ۱۹۶۲/۱۹۸۳).

MP- دستورالعمل‌های مصاحبه آنیلا یافه با یونگ جهت *خاطرات*، *رویاها*، *تأملات*، کتابخانه کنگره، واشینگتن (اصل به آلمانی).

MAP- دستور جلسه انجمن روان‌شناسی تحلیلی، باشگاه روان‌شناسی، زوریخ (اصل به آلمانی).

MZS- دستور جلسه انجمن روان‌کاوی زوریخ، باشگاه روان‌شناسی، زوریخ (اصل به آلمانی).

پیش درآمد

موجودیت کتاب سرخ کارل گوستاو یونگ از ۱۹۶۲ به بعد بر همگان محرز شد. تنها پس از نشر این مجلد است که سرانجام این نوشتار به طور گسترده در دسترس عموم قرار می‌گیرد. شرح پیدایش آن در *خاطرات*، *روایاها*، *تأملات*^۱ یونگ آمده و در آثار ثانویه، موضوع بحث‌های فراوانی قرار گرفته است. پس اینجا فقط به اختصار آن را شرح می‌دهم.

سال ۱۹۱۳ برای زندگانی یونگ یک سال حیاتی بود. در این زمان بود که یونگ تجربه‌ای از خویشتن را آغاز نمود که تا سال ۱۹۳۰ دوام داشت که به «مواجهه یونگ با ناخودآگاه» معروف شده است. وی طی این تجربه برای «دریافت و دسترسی به کنه فرآیندهای درونی [خودش]»، «برای ترجمه هیجانانگیز تصاویر»، و «برای دریافت و دستیابی به خیال‌هایی که در لایه زیرین در جنب و جوش اند» یک تکنیک *ابداع* می‌کند. او بعدها این تکنیک را «تخیل فعال» می‌نامد. ابتدا این خیال‌ها را در *کتاب‌های سیاه* ثبت می‌کند. سپس این متون را بازبینی و تأملاتی بر آنها می‌افزاید. آنها را به خط خوش در کتابی با عنوان *کتاب جدید* با یک جلد چرمی سرخ‌رنگ بازنویسی می‌نماید، و نقاشی‌هایی به قلم خودش در کنار آنها ترسیم می‌کند. این کتاب برای همیشه با عنوان *کتاب سرخ* شناخته می‌شود.

یونگ تجربیات درونی خویش را با همسر و همراهان نزدیک‌اش در میان می‌گذارد. در سال ۱۹۵۲ در مجموعه‌ای از سمینارها در باشگاه روان‌شناسی زوریخ گزارشی از تحولات حرفه‌ای و

1. Memories, Dreams, Reflections

شخصی خود ارائه می دهد و در آنجا ذکر نیز از روش تخیل فعال به میان می آورد. از این پس، یونگ در لاک احتیاط فرو می رود. برای مثال: فرزندانش از فرآیند معاینه و تجربه خویشتن وی خبردار نمی شوند و متوجه هیچ چیز غیرعادی نمی گردند. واضح است برای او دشوار بود تا شرح دهد چه دارد رخ می دهد. در واقع اگر به یکی از فرزندانش اجازه می داد که او را در حین نوشتن یا نقاشی ببینند این از سر لطف و التفات بود. از این روی، کتاب سرخ برای فرزندانش و نوادگان یونگ همیشه در حاله ای از رمز و راز فرو می رود. یونگ به سال ۱۹۳۰ به این تجربه خویش پایان می دهد و کتاب سرخ را - ناتمام - کنار می گذارد. هرچند این کتاب در مطالعات وی جایگاه وزینی اشغال می کند، اما آن را برای چند دهه و می نهد. در همین اثنا، نگرش ها و دریافت هایی که طی این مدت به دست آورده بود، نوشتارهای بعدی وی را سیراب می کنند. با کمک پیش نویس قدیمی، به سال ۱۹۵۹ تلاش می کند تا انتقال متن به کتاب سرخ را تکمیل نماید و یک نقاشی ناتمام را به پایان برد. علاوه بر این کار، نوشتن یک پس درآمد را شروع می کند، اما به دلایلی نامعلوم هم متن خوش نویسی و هم پس درآمد در اواسط کار متوقف می گردد.

اگرچه یونگ فعالانه انتشار کتاب سرخ را در نظر داشت، اما هرگز گام های ضروری برای این مهم برنداشت. او به سال ۱۹۱۶ شخصاً کتاب هفت خطابه برای مرده^۱ را منتشر ساخت، این کاری است مختصر که از دل رویارویی وی با ناخودآگاه پدید آمده است. حتی مقاله سال ۱۹۱۶ وی با عنوان «کارکرد فرارونده»^۲ که تکنیک تخیل فعال را در آن شرح داده بود تا سال ۱۹۵۸ منتشر نشد. چند دلیل وجود داشت که چرا کتاب سرخ را منتشر نکرد. آن طور که خودش می گوید این کار ناتمام بود. علاقه روزافزون وی به کیمیاگری همچون یک موضوع پژوهشی باعث شده بود تا حواس اش جمع آن شود. او در نگاهی به گذشته، ترسیم و بیان مفصل خیالات اش در کتاب سرخ را یک شرح ضروری اما «رنج آور و زیباشناسانه» می داند. او آخر ۱۹۵۷ اعلام می کند که کتب سیاه و کتاب سرخ مستندات زندگی نامه ای و خودنوشت اند که نمی خواهد آنها را در مجموعه آثارش منتشر سازد چون اینها خصلتی پژوهشی و محققانه ندارند. یونگ در حکم یک امتیاز این امکان

1. Septem Sermones and Mortuos (Sermons to the Dead)

۲. کارکرد فرارونده Transcendent Function، برحسب تعریف یونگ این کارکرد نیرویی میانجی گر است که بین اضداد درون روان و ساطت می کند. این نیرو از تقابل های شدید و متمرکز بین اضداد درون فرد، تنش بین خودآگاه و ناخودآگاه پدید می آید و از اتحاد بین آنها پشتیبانی می کند. - م

را به آنیلا یافه^۱ می دهد تا برای کتاب *خاطرات*، *تأملات* از کتاب *سرخ* و کتب سیاه اقتباس هایی انجام دهد. اما وی از این فرصت چندان بهره نگرفت.

یونگ به سال ۱۹۶۱ از دنیا می رود. میراث ادبی و معنوی وی در اختیار فرزندان اش قرار می گیرد، و آنها انجمن میراث داران کارل گوستاو یونگ را بنیاد می گذارند. میراث حقوق ادبی یونگ، وارثین وی را با یک تعهد و چالش روبرو می کند: تعهد به تکمیل انتشار نسخه آلمانی مجموعه آثار یونگ. یونگ در وصیت نامه اش آورده است که کتاب *سرخ* و کتب سیاه باید در خانواده اش باقی بمانند، اما توضیح بیشتری در این باره نمی دهد. چون بنا نبود کتاب *سرخ* در مجموعه آثار به انتشار برسد، انجمن میراث داران این طور نتیجه می گیرد که این آخرین خواسته یونگ در مورد این اثر است، و اینکه این اثر تماماً امری خصوصی است. انجمن از مکتوبات منتشر نشده یونگ همچون یک گنج حفاظت می کند و هیچ انتشار دیگری مورد نظر نبود. کتاب *سرخ* به مدت بیش از بیست سال در دفتر کار یونگ باقی ماند و فرانس یونگ که سرپرست خانه پدری شده بود مراقبت آن را بر عهده داشت.

انجمن میراث داران یونگ به سال ۱۹۸۳ کتاب *سرخ* را به صندوق امانات می سپرد، و می داند که این سندی غیر قابل جایگزین است. هیئت اجرایی جدید در سال ۱۹۸۴ پنج نسخه عکاسی از آن تهیه می کند و آنها را در اختیار خانواده قرار می دهد. اکنون اخلاف یونگ برای اولین بار، این فرصت را دارند تا نگاهی دقیق به آن بیندازند. مراقبت دقیق از این دفتر منافی در برداشت. شرایط خوب کتاب *سرخ* در کنار دیگر عوامل، ناشی از این واقعیت است که این دفتر طی چند دهه به ندرت باز شده است.

پس از سال ۱۹۹۰ زمانی که ویرایش مجموعه آثار -گزینه ای از آثار- داشت به انجام خود نزدیک می شد، هیئت اجرایی تصمیم می گیرد بررسی تمامی مطالب منتشر نشده را با نگاهی به انتشار آتی آغاز نماید. من این مهم را بر عهده گرفتم چون به سال ۱۹۹۴ انجمن میراث داران مسئولیت بایگانی و حل مسائل و ویراستاری را بردوش من قرار داده بود. روشن شد که مجموعه بزرگی از پیش نویس ها و مطالب گوناگون مرتبط با کتاب *سرخ* وجود دارد. اینجا روشن می شود که بخش گم شده متن خوشنویسی به صورت یک پیش نویس است و اینکه یک دست نویس با عنوان «مداقات» وجود دارد که از نقطه پایان پیش نویس کار را ادامه می دهد و

1. Aniela Jaffe

شامل هفت خطابه می شود. اما اینکه آیا این مطالب مهم را می شود منتشر ساخت یا نه و اگر بشود چگونه، خود همچنان یک پرسش بی پاسخ باقی می ماند. در نگاه اول به نظر می رسد سبک و مضمون اینها با دیگر آثار یونگ وجه اشتراک اندکی دارند. وضعیت بیشتر مبهم بود و تا واسط دهه ۱۹۹۰ کسی باقی نمانده بود که بتواند اطلاعات دست اول درباره این موارد را به دست بیاورد. به هر حال، تاریخ روان شناسی نسبت به زمان یونگ اهمیت بیشتری پیدا کرده است و اکنون توانسته رویکردی نوین عرضه نماید. در حال کار کردن بر دیگر پروژه ها، من با سونو شمدسانی ملاقات کردم. در گفتگوهای گسترده ای که داشتیم درباره احتمال نشر دیگر آثار یونگ، هم به طور کلی و هم به طور خاص در مورد کتاب سرخ، بحث کردیم. این کتاب در محیط خاصی پدید آمده است که خواننده در آغاز قرن بیست و یکم دیگر با آن مأنوس نیست. اما یک تاریخ دان روان شناسی می تواند آن را به مثابه یک سند تاریخی به خواننده مدرن عرضه نماید. این تاریخ دان می تواند ریشه آن را با کمک منابع اولیه در بستر فرهنگی گسترش دهد، و آن را در قالب تاریخ علم جای دهد و با زندگانی و آثار یونگ پیوند بزند. سونو شمدسانی در سال ۱۹۹۹ یک طرح پیشنهادی انتشاراتی تدوین می کند که از این اصول راهنما تبعیت می کند. انجمن وراثت یونگ در بهار ۲۰۰۰ - البته نه بدون اختلاف نظر و مجادله - بر مبنای همین طرح پیشنهادی تصمیم می گیرد اجازه نشر کتاب سرخ را صادر نماید و مسئولیت ویراستاری آن را به سونو شمدسانی بسپارد.

بارها از من سؤال شده است چرا کتاب سرخ پس از این همه سال اکنون منتشر می شود. چند دریافت جدید از سوی ما در این مورد نقش عمده دارد: خود یونگ آن طور که به نظر می رسد کتاب سرخ را یک راز نمی انگاشت. در موارد متعدد این متن که عبارت «دوستان عزیز» به چشم می خورد؛ به بیانی دیگر به وسیله این متن یونگ مخاطب را خطاب قرار می داد. در واقع یونگ به دوستانش اجازه داده بود که نسخه هایی از نوشتار وی را در اختیار داشته باشند و در موردشان با آنها بحث می کرد. وی به طور قطع انتشار این کار را رد نکرده، بلکه فقط این مسئله را حل نشده رها می کند. علاوه بر این، یونگ شخصاً اظهار می دارد که مواد و مصالح کارهای بعدی خود را از رویارویی اش با ضمیر ناخود آگاه به دست آورده است. پس کتاب سرخ در مقام مستندی بر این مواجهه، در حیطه و رای حریم خصوصی تعلق می گیرد، و جایگاهی محورین در کارهای یونگ اشغال می نماید. این دریافت به نوادگان یونگ اجازه می دهد نگاهی نو به موضوع داشته باشند.

فرآیند تصمیم‌گیری طول می‌کشد. گزینه‌هایی از کتاب، مفاهیم، و اطلاعات آگاهی دهنده به آنها یاری می‌رسانند تا با امری سرشار از بار هیجانی برخوردی منطقی‌تر داشته باشند. سرانجام، انجمن میراث‌داران به شیوه‌ای دموکراتیک تصمیم می‌گیرد تا کتاب سرخ امکان نشر بیابد. از اتخاذ تصمیم تا عرضه این مجلد مسیری طولانی طی می‌شود. نتیجه اثرگذار است. انتشار این اثر بدون همکاری بسیاری افراد که مهارت و انرژی خود را وقف یک هدف مشترک ساختند نمی‌توانست صورت عمل به خود بگیرد. مایل‌ام از طرف نوادگان کارل گوستاو یونگ مراتب قدردانی و سپاس صمیمانه خود به تمامی کسانی که در این کار نقش داشتند را ابراز بدارم.

آوریل ۲۰۰۹ - الریخ هوئرنی

بنیاد آثار کارل گوستاو یونگ

کتاب جدید:

کتاب سرخ^۱

سونو شمدرسانی

کارل گوستاو یونگ در اندیشه غرب یک شخصیت برجسته به حساب می آید و کار وی همچنان بانی بحث و جدل های فراوان است. وی نقشی اساسی در شکل گیری روان شناسی، روان درمانی، و روان پزشکی مدرن ایفا نمود، و روان شناسان تحلیلی ذیل نام وی به تخصص جهانی و گسترده خود مشغول اند. با این حال کار وی بیشترین تأثیر را بر خارج از محافل تخصصی داشته است: یونگ و فروید نام هایی هستند که در ارتباط با روان شناسی، بیشتر مردم ابتدا به فکر آنها می افتند، و نظریات آنها وسیعاً در هنر، علوم انسانی، فیلم، و فرهنگ عامه رواج یافته اند. یونگ نیز در حد گسترده ای به عنوان یکی از آغازگران جنبش عصر جدید شناخته شده است. به هر حال، این تکان دهنده است اگر دریابیم کتابی که در مرکز گنجینه آثار وی قرار داشته و بیش از شانزده سال بر آن کار شده است، الان به دست نشر سپرده می شود.

۱. آنچه در پی می آید، گاه مستقیماً، بر بازسازی که من از شکل گیری روان شناسی یونگ در یونگ و ساختن روان شناسی مدرن: رویای یک علم

(Jung and the Making of Modern Psychology: The Dream of a Science: Cambridge: Cambridge University Press, 2003)

انجام داده ام متکی است. یونگ با دو عنوان کتاب جدید و کتاب سرخ از این اثر یاد می کند، که عنوان دوم بیشتر شناخته شده است. چون شواهدی وجود دارد که نام اولی عنوان واقعی این کتاب بوده است، من به لحاظ حفظ انسجام در ادامه از این عنوان بهره می گیرم.

آثار منتشر نشده معدودی می‌تواند وجود داشته باشد که مانند کتاب سرخ یا کتاب جدید یونگ تأثیراتی این چنین وسیع و فراگیر بر تاریخ اجتماعی و فکری قرن بیستم بر جای بگذارند. این کتاب که توسط یونگ کاندید شده تا هسته آثار بعدی اش را در خود جای دهد، مدت‌هاست همچون کلیدی معرفی می‌شود بر شناخت و درک و چگونگی آفرینش آثار یونگ. با این همه، گذشته از چند نگاه اجمالی و گذرای عطش برانگیز، این کتاب از دسترس پژوهشگران دور می‌ماند.

برهه فرهنگ

چند دهه ابتدای قرن بیستم شاهد تجربیاتی عظیم در ادبیات، روان‌شناسی، و هنرهای بصری بود. نویسندگان تلاش کردند خود را از محدودیت‌های ناشی از قواعد و سنن بازنمایی خلاص کنند و کل طیف تجربه درونی - رویاها، تصورات، خیالات - را اکتشاف و به نمایش بگذارند. آنها فرم‌های جدید را تجربه کردند و فرم‌های قدیمی را به شکلی نوبه کار بستند. از نوشتن ناآگاهانه یا غیرارادی سورئالیست‌ها تا خیال‌پردازی‌های گوتیک گوستاو میرنیک^۱. نویسندگان در معرض و برخورد نزدیک با پژوهش‌های روان‌شناسان قرار گرفتند که خود به اکتشافات مشابهی مشغول بودند. هنرپردازان و مؤلفان جهت به آزمون گذاشتن فرم‌های جدید تصویرپردازی و صفحه‌آرایی، ترکیب‌بندی جدید متن و تصاویر با هم همکاری کردند. روان‌شناسان در صدد غلبه بر محدودیت‌های روان‌شناسی فلسفی برآمدند و همانند هنرمندان و نویسندگان، اکتشاف در همان قلمرو را آغاز نمودند. مرزبندی‌های صریح بین ادبیات، هنر، و روان‌شناسی هنوز برقرار نشده بود؛ نویسندگان و هنرمندان از روان‌شناسان عاریت می‌گرفتند، و برعکس. تعدادی از روان‌شناسان برجسته مانند آلفرد بینه^۲ و چارلز ریشه^۳ اغلب تحت نام‌هایی مستعار؛ آثاری تخیلی و دراماتیک به رشته تحریر درمی‌آوردند که موضوع‌شان بازتابی بود از موضوع آثار «علمی» خودشان.^۴ گوستاو فیچنر، یکی از بنیان‌گذاران روان‌فیزیک و روان‌شناسی

1. Gustav Meyrink

2. Alfred Binet

3. Charles Richet

4. Jacqueline Carroy, *Les Personalites multiples et doubles: entre science et fiction* (Paris: PUF, 1993).

تجربی دربارهٔ حیات روح گیاهان و زمین به شکل یک فرشتهٔ آبی رنگ قلم فرسایی می‌کند.^۱ در همین اثناء، نویسندگانی همچون آندره برتون^۲ و فیلیپ سوپالت^۳ آثار روان‌پژوهان و روان‌شناسان نابهنجاری، از جمله فردریک مایرز^۴، تئودور فلورنوی^۵، و پیر ژانت^۶ را با دقت تمام مطالعه می‌نمایند و به کار می‌بندند. والتر ب. ییتز^۷ از روش نوشتن غیرارادی برای سرودن یک کیهان‌شناسی روانی شاعرانه در اثرش با عنوان یک رویا بهره گرفت.^۸ در همهٔ این عرصه‌ها، افراد در حال جستجو برای یافتن فرم‌های نو بودند تا با آنها بتوانند در تلاشی برای نوسازی معنوی و فرهنگی واقعیت‌های تجربهٔ درونی را به نمایش بگذارند. هوگو بال^۹ در برلین می‌گوید:

«جهان و جامعه در سال ۱۹۱۳ این طور جلوه می‌کرد: زندگی به تمامی در قید و بند و در غل و زنجیر است. نوعی تقدیرگرایی اقتصادی غلبه دارد؛ به هر فرد، خواه در برابر آن مقاومت نماید یا نه، یک نقش خاص اعطا شده است، و به همراه آن دلبستگی‌ها و خلق و خوی وی. کلیسا همچون یک «کارخانهٔ مغفرت» کم اهمیت انگاشته می‌شود، و ادبیات همچون یک شیرایمنی... حادثترین مسئلهٔ روز و شب این است: آیا نیرویی به قدر کفایت بر قدرت هست که مهر پایانی بر این اوضاع بزند؟ و اگر نه، چگونه می‌توان از آن گریخت؟»

در این بحران فرهنگی است که یونگ به فکر بر عهده گرفتن اجرای فرآیند گستردهٔ به آزمون گذاشتن و تجربهٔ خویشتن می‌پردازد که نتیجهٔ آن در کتاب جدید - اثری از جنس روان‌شناسی در فرمی ادبی - متجلی می‌شود.

امروزه ما در سمت دیگر شکاف مابین روان‌شناسی و ادبیات ایستاده‌ایم. تعمق و تأمل بر کتاب جدید امروزه معادل است با ادامهٔ کاری که فقط می‌توانست پیش از تثبیت مستحکم این جدایی‌ها صورت وقوع بیابد. مطالعهٔ آن به ما یاری می‌رساند تا دریابیم که چگونه این تفکیک و تقسیم رخ داده است. اما ابتدا شاید بپرسیم:

-
1. Gustav Theodor Fechner, *The Religion of a Scientist*, ed. and tr. Walter Lowrie (New York: Pantheon, 1946).
 2. Andre Breton
 3. Philippe Soupault
 4. Fredrick Myers
 5. Theodore Flournoy
 6. Pierre Janet
 7. W.B. Yeats
 8. Jean Starobinski, "Freud, Breton, Myers," in *L'oeuil vivante II: La relation critique* (Paris: Gallimard, 1970) and W B. Yeats.
 9. Hugo Ball

یونگ کیست؟

یونگ به سال ۱۸۷۵ در کسویل کنار دریاچه کنستانس زاده شد. خانواده‌اش در شش ماهگی به لوفن در نزدیکی آبشارهای راین نقل مکان می‌کنند. وی فرزند بزرگ خانواده بود و یک خواهر داشت. پدرش در کلیسای اصلاح یافته سوئیس کشیش بود. یونگ در اواخر زندگی شرحی از زندگی خود با عنوان «از تجربیات ابتدایی زندگی من» می‌نویسد که بعداً با ویرایش بسیار در *خاطرات، رویاها، تأملات* درج می‌شود.^۱ یونگ رویدادهای مهمی را روایت نموده که وی را به حرفه روان‌شناسی سوق داده‌اند. این شرح حال با تمرکز بر رویاها، تصورات، و تخیلات پراهمیت ایام کودکی را می‌توان مقدمه‌ای بر *کتاب جدید* انگاشت.

در روایای اول خود را در علفزاری با یک حفره سنگ‌چین در زمین می‌یابد. پلکانی پیدا می‌کند و از آن پایین می‌رود، وارد یک اتاقک می‌شود. آنجا یک کرسی طلایی پادشاهی با چیزی که ظاهراً شبیه تنه درختی است از جنس پوست و گوشت با چشمی بالای آن وجود دارد. بعد ندای مادرش را می‌شنود که می‌گوید این آدم خوار است. او مطمئن نیست آیا منظور مادر این است که این پیکره واقعاً کودکان را بلعیده است یا مشابه مسیح است. این امر تصور وی از مسیح را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. سال‌ها بعد یونگ درمی‌یابد این پیکره یک آلت مردانه است، و بعدها آگاه می‌شود که این پیکره یک نماد آیینی از آلت و آن محل یک معبد زیرزمینی است. وی این رویا را همچون مراسم ورود و تشریف «به اسرار زمین» می‌داند.^۲

یونگ در ایام کودکی چند توهم بصری را از سر می‌گذراند. علاوه بر این به نظر می‌رسد وی توانایی آن را داشت که این تصاویر را به درخواست خود فرا بخواند. او در یک سمینار به سال ۱۹۳۵ تابلویی از مادر بزرگ مادری‌اش را به یاد می‌آورد که وقتی یک پسر بچه بود به آن نگاه می‌نمود تا آنکه می‌بیند پدر بزرگ‌اش از پله‌ها دارد پایین می‌آید.^۳

۱. درباره اینکه چگونه به اشتباه این متن، به عنوان زندگینامه خودنوشت یونگ قلمداد می‌شود مراجعه کنید به اثر من با عنوان:

Jung Stripped Bare by His Biographers, Even (London, Karnac, 2004), ch. I, "How to catch the bird": Jung and his first biographers."

نیز بنگرید به: Alan Elms, "The auntification of Jung,"

2. *Memories*, p. 30.

3. "Fundamental Psychological conceptions," CW I8, §397.

یک روز آفتابی، در دوازده سالگی، که یونگ داشت از میدان مانسترپلاز در بازل عبور می کرد، خورشید را که بر سفال های براق تازه مرمت شده سقف کلیسای جامع می تابید می ستاید. سپس احساس می کند اندیشه ای و حشتناک و گناه آلود به وی روی می آورد که آن را پس می زند. برای چند روز در تشویش و اضطراب سر می کند. سرانجام پس از اقناع خود بدین مطلب که خدا خواست آدم و حوا مرتکب گناه شوند به خود اجازه می دهد بر آن اندیشه تأمل کند و تمثیلی از خدا را بر سریرش می بیند که سرگینی عظیم بر کلیسای جامع فرو می اندازد، و سقف تازه آن را متلاشی و کلیسا را ویران می کند. یونگ به این خاطر احساس سرخوشی و آرامشی می کند که هرگز تجربه نکرده بود. احساس می کند این تجربه ای است از «خدای زنده بی واسطه که آزاد و قادر مطلق بر فراز کتاب مقدس و کلیسا ایستاده است.»^۱ احساس می کند به تنهایی در برابر خدا ایستاده است و اینکه از آن به بعد مسئولیت حقیقی وی آغاز می شود. وی درمی یابد که این حقیقتاً تجربه ای است مستقیم و بی واسطه از خدای زنده که بیرون کلیسا و کتاب مقدس ایستاده و فاقد پدر است.

این معنا از برگزیده شدن سرانجام در اولین مراسم عشای ربانی به توهم زدایی و سرخوردگی نسبت به کلیسا می انجامد. او به این باور رهنمون شده بود که این مراسم تجربه ای شگرف خواهد بود. اما در عوض هیچ نصیب او نشد. این طور نتیجه می گیرد: «در مورد من، این مراسم معادل بود با نبود خدا و دین. کلیسا جایی بود که دیگر نمی توانستم به آنجا بروم. زندگی آنجا جایی نداشت، مگر مرگ.»^۲

خواندن و مطالعه سیری ناپذیر یونگ از این لحظه آغاز می شود، و به ویژه تحت تأثیر *فاوست* گوته قرار می گیرد. وی جلب این واقعیت می شود که گوته در مفیستوفل شخصیت اهریمن را به جد و واقعاً به خود می گیرد. وی تحت تأثیر شوپنهاور قرار می گیرد که موجودیت شیطان را تصدیق می کند و مشقات و فلاکت های این جهان را به بیان درمی آورد.

یونگ این حس را نیز داشت که در دو قرن زندگی می کند و *نوستالژی* قدرتمندی نسبت به قرن هجدهم در وجود خود حس می کرد. برداشت و درک وی از دوئیت، شکل دو شخصیت متناوب را به خود می گیرد، که وی آنها را شماره یک و دو می نامد. شخصیت شماره یک پسر بچه محصل اهل بازل بود که رمان می خواند و شخصیت شماره دو در انزوا و خلوت در حالتی از اتفاق و پیوند با طبیعت و کیهان، تأملات دینی را پی می گیرد. او در «جهان خداوند» مسکن گزیده

1. *Memories*, p 57.

2. *Ibid*, p 73.

است. این شخصیت واقعی ترین ها را حس می کند. شخصیت شماره یک می خواهد از مالیخولیا و انزوای شخصیت دو آزاد باشد. زمانی که شخصیت دو وارد می شود، شماره یک حس می کند انگار یک روح همیشه حاضر، اما مرده وارد اتاق شده است. شماره دو هیچ خلق و خوی تعریف شدنی ندارد. او با تاریخ پیوند دارد، به ویژه به قرون وسطی. شماره یک با همه نقایص و بی عرضگی هایش از نظر شماره دو کسی است که باید با آن کنار آمد و آن را تحمل نمود. این اثر متقابل در تمامی زندگانی یونگ جریان می یابد. آن طور که وی فکر می کند، ما همه این چنین هستیم - بخشی از ما در حال زیست می کند و بخشی با قرون گذشته پیوند دارد.

همچنان که وقت انتخاب یک شغل نزدیک می شود، این منازعه بین دو شخصیت شدت می یابد. شماره یک به علم محض راغب است و شماره دو به علوم انسانی. پس یونگ دو رویای مهم داشت. در اولی، وی در جنگلی تاریک کنار رود این قدم می زند. بالای کپه ای خاک می رود و شروع به حفاری می کند تا بقایای جانوران ماقبل تاریخ را کشف کند. در رویای دوم، او در یک جنگل است و آنجا چند نهر آب وجود دارد یک آبگیر مدور می یابد که بوته ها احاطه اش کرده اند. یک مخلوق زیبا در آن می بیند، یک موجود تک یاخته ای آبی بزرگ. پس از این رویاها، به سراغ علم می رود. برای حل مشکل امرار معاش تصمیم می گیرد طبابت بخواند، بعد رویای دیگری به سراغش می آید. در یک مکان ناشناخته حضور دارد، مه اطراف را فرا گرفته است و این باعث می شود جلو رفتن خلاف باد به آهستگی انجام شود. او از یک شعله کوچک مراقبت می کند که مبادا خاموش شود. پیکره بزرگ سیاه رنگی می بیند که به گونه ای رعب آور نزدیک می شود. از خواب بیدار می شود، و درمی یابد این پیکره سایه ای بوده که آن نور ایجاد کرده است. می اندیشد که در این رویا شماره یک خودش است که نور را حمل می کند، و شماره دو مانند یک سایه دنبالش می آید. این را نشانه ای بر این می داند که باید همراه شماره یک به پیش برود و به پشت سر، به جهان شماره دو برنگردد.

تأثیر متقابل بین این شخصیت ها در ایام تحصیل در دانشگاه ادامه می یابد. علاوه بر تحصیلات پزشکی، برنامه ای فشرده از مطالعات خارج از برنامه درسی را پی می گیرد، به ویژه کارهای نیچه، شوپنهاور، سویدنبرگ^۱، و نویسندگان روح باور را مطالعه می کند. چنین گفت

۱. امانوئل سویدنبرگ (۱۶۸۸-۱۷۷۲) (Emmanuel Swedenborg) یک دانشمند سوئدی و عارف مسیحی است. وی در سال ۱۷۴۳ یک بحران مذهبی را از سر می گذراند، که آن را در روزنامه رویاهای خودش شرح داده است. در سال ۱۷۴۵ رویایی از مسیح می بیند. سپس زندگی خود را صرف شرح و بیان آنچه در بهشت و دوزخ - ادامه پاورقی در صفحه بعد